

آیت‌الله سیدهاشم میردامادی، از نوادگان میرداماد استرآبادی



■ علی قنبریان
پژوهشگر،
پسادکتری فلسفه اخلاق



■ چکیده

یکی از فلاسفه مشهور و تأثیرگذار اسلامی، میربرهان الدین محمدباقر استرآبادی (۹۶۹-۱۰۴۰ ق)، معروف به میرداماد، است. یکی از نوادگان ایشان، آیت الله سیدهاشم میردامادی نجف آبادی (۱۳۳۹-۱۳۶۰ آذر) می باشد. در مقاله حاضر، زندگانی این دو شخصیت گردآوری، تبیین، و تا حدودی تحلیل شده است. از آنجا که، آیت الله سیدعلی خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران، از نوادگان دختری سیدهاشم میردامادی است، متن پیام ایشان به مراسم بزرگداشت آیت اله سیدهاشم میردامادی نیز در این مقاله درج شده است. مطالب مقاله، مستند به کتاب های معتبر علمی و پایگاه اطلاع رسانی معظّم له^۱ و مصاحبه با برخی از اعضای خاندان (تاریخ شفاهی) می باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی بوده و از روش تبیینی تحلیلی مطالب پردازش شده است. شیوه استناد به منابع، درون متنی (APA) است. **واژگان کلیدی:** میربرهان الدین محمدباقر استرآبادی- آیت الله سیدهاشم میردامادی- آیت الله سیدعلی خامنه ای.

■ ۱. میرداماد استرآبادی

میربرهان الدین محمدباقر استرآبادی (۹۶۹-۱۰۴۰ ق) نامور به «میرداماد» و «معلّم ثالث»، متخلّص به اشراق، فیلسوف، متکلم، و فقیه برجسته دوره صفویه و از ارکان مکتب فلسفی اصفهان است. میرداماد فرزند میرشمس الدین محمد استرآبادی مشهور به داماد و از سادات حسینی گرگان است. محمد استرآبادی با دختر علی بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی فقیه مشهور دوره شاه طهماسب صفوی، ازدواج کرد و به همین خاطر او را داماد نامیدند. میرداماد این لقب را از پدر خود به ارث برده است. وی از دوستان نزدیک شیخ بهایی بود. درباره سال تولد او، اطلاعات کافی در دست نیست؛ ولی کتاب «نخبة المقال فی اسماء الرجال» تولد او را سال ۹۶۹ ذکر کرده است. میرداماد با ۲۹ واسطه به امام جعفر صادق (ع) منتسب می شود.

۱-۱. اساتید میرداماد

میر از استعداد فوق العاده ای برخوردار بود و حافظه ای قوی داشت و از آن جا که در خانواده ای از اهل علم نیز به دنیا آمده بود، توانست از شرایط دشوار آموزشی که بر آن دوران حاکم بود، به خوبی بهره برد و به تدریج در زمره اساطین حکما و اندیشمندان بزرگ عصر خویش و از نوادر و نوابغ جهان اسلام قرار گیرد. او در مرحله نخست، آموزش های کلاسیک را از مشهد آغاز کرد، و پس از گذراندن دروس مقدماتی (صرف، نحو، معانی بیان، لغت، و...) به فراگیری علوم قرآنی، فقه، اصول، حکمت، ریاضیات، و انس با روایات اشتغال

ورزید و برخی از آثار خویش را در این دوره نگاشت. میر در طی دوران تحصیل خویش از محضر علمای بزرگی کسب فیض کرد و از برخی از آن‌ها اجازه روایت گرفت. از جمله اساتید و مشایخ اجازه وی می‌توان به این شخصیت‌ها اشاره کرد: سیدابوالحسن موسوی عاملی، سیدحسین حسینی کرکی عاملی، سیدنورالدین حسینی موسوی عاملی جبعی (از تلامذه شهید ثانی)، سیدعلی موسوی عاملی، شیخ عبدالعالی بن علی بن العالی کرکی (دایی میرداماد)، شیخ عبدالعلی خادم جابلقی، شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهایی)، فخرالدین محمد سَمَکی (محمد فخری)، نقل است که میر در سیزده سالگی از عبدالعالی پسر محقق کرکی و در چهارده سالگی از حسین بن عبدالصمد اجازه روایت گرفته است و این، حاکی از آن است که او به خاطر نبوغ و استعداد کم‌نظیرش از همان اوان جوانی به مراتب بالای دانش و علم رسیده و به همین دلیل مورد توجه علمای عصر خویش نیز بوده است. میر خود در مثنوی مشرق‌الانوار چنین می‌گوید:

«بیست بود سال به دور قمر / لیک به دانش ز خرد پیرتر»^۲

۲-۱. شاگردان میرداماد

میرداماد به اصفهان مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آن‌جا سکنا گزید و به نشر معارف حقّه، اندیشه‌های حکمی و تربیت شاگردان پرداخت. او در مکتب خویش، شاگردان بسیار ارزشمندی را پرورش داد که هریک از شخصیت‌های برجسته تاریخ تفکر عقلانی مسلمانان به‌شمار آمده و در رشد و بالندگی معارف دینی به‌ویژه حکمت اسلامی نقش بسزایی داشته‌اند. مشهورترین ایشان که برخی از او اجازه روایت نیز گرفته‌اند، عبارت‌اند از: میرسیداحمد علوی، ملاصدرای شیرازی، ملا شمسای گیلانی، ملا عبدالغفار گیلانی، محمد اشکوری دیلمی لاهیجی، ابوالفتح گیلانی، سیداحمد عزیزی دربامامی، نظام‌الدین احمد دشتکی، شیخ عبدالله سمنانی، حسین بن حیدر کرکی، محمدحسن زلالی خراسانی، ملا خلیل غازی قزوینی، میرمحمدتقی استرآبادی و ملا عبدالمطلب طالقانی.^۳

۳-۱. وفات میرداماد

میرداماد به‌خاطر صفای باطنی و قدرت فوق‌العاده علمی، در میان مردم جایگاه ویژه‌ای داشت و از مقربان شاه عباس صفوی بود. سرانجام پس از سال‌ها تحقیق، تألیف، ترتیب شاگردان، مجاهده، و حضور در صحنه‌های سیاسی در سال ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ یا ۱۰۴۲ ق- در سفری که به‌همراه شاه صفوی به قصد زیارت عتبات عالیات رفته بود، در مابین کربلا و نجف درحالی‌که آیه «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»^۴ را زمزمه می‌کرد، چشم از جهان فروبست و پیکر مطهرش، طبق وصیتش، در نجف اشرف مدفون گشت.^۵ البته بنابر نظر حجت‌الاسلام دکتر سیدمجتبی میردامادی، مقبره مرحوم میرداماد، به نجف اشرف منتقل نشد و بین کربلا و نجف مدفون شد.^۶

۴-۱. میرداماد از زبان یکی از شاگردانش

در «تذکرة خلاصة الاشعار» تقی‌الدین حسینی کاشانی شرح حال مفصلی از میرداماد آمده است. قسمتی از آن را در اینجا می‌آوریم:

«میر برهان‌الدین محمدباقر اشراق، مدّ الله تعالی ظلال سیادته و فضیلت‌ه‌ به یوم القیام، از متوطنین دارالسلطنه صفاهان است. پسر سیدالشادات امیر شمس‌الدین محمد الاسترآبادی الشّهر به داماد است. وانتساب شریف آن جناب از جانب دیگر به حضرت شیخ المحقّقین، و قدوة المدقّقین، و فخر المجتهدین، و خلاصة العلماء المتبحرین، و زین الفقهاء فی العالمین علی‌بن عبدالعالی، رّوح الله روحه و نور مرقد، می‌رسد، که علوّ شأنش در میان مجتهدین امامیه، کالشمس فی وسط السماء هویداست. لا جرم حاجت به آن نیست که قلم و زبان در تعریف آن مقتدای عالمیان شروع نماید، و به انامل سعی و اجتهاد ابواب مناقب و مفاخر آن ملاذ مجتهدین برگشاید. اما سیادت و فضیلت پناه مشاّله در تزکیه نفس نفیس و تصفیه باطن شریف و سیر رضیه و شیم مرضیه عدیل و نظیر ندارد، و از سایر سادات عظام زمان خود بلکه از اکثر علما و فضلاّ عصر، به جودت طبع و حدّت ذهن و طلاقت لسان و لطافت بیان امتیاز تمام دارد. و از زمان طفولیت تا حال همواره تخم مهر و محبّت در فضای ضمیر صغیر و کبیر می‌کارد، و اهالی و افاضل نسبت به آن سرور ذریه خیرالمرسلین التفات بسیار داشتند و دارند. سال‌ها در مشهد مقدّسه رضویه علی ساکنها التّسلام ساکن بود و به طلب علوم مشغولی می‌نمود، و اکثر متداولات معقول و منقول را مطالعه فرمود، و در اندک زمانی در میدان تحقیق مسائل شفا و اشارات، و توضیح اشکال رسائل ریاضیات و حکمیات قصب‌التبّیق از اقران در ربود، و با وجود صغر سن مهارتش در فنون علوم به جایی رسید که در اکثر مطالب عالیّه حکمیات و ریاضیات رسائل و حواشی تصنیف نمود. و بعد از آن از مشهد مقدّسه سفر کرده خود را به دارالسلطنه قزوین رسانید، و مدّتی نیز در اردوی معلّا به درس اشتغال نمود. نقوش دقایق طبع نقاد و ذهن وقاد خود را بر صحایف ضمایر علما و فضلا ظاهر گردانید. و در شهر سنه ثمان و ثمانین و تسعمائة از دارالسلطنه قزوین به قصد زیارت مشهد مقدّسه رضویه به دارالمؤمنین کاشان خرامید، و روزی چند درین جانب ساکن گردید و در آن اوقات فقیر حقیر به ملازمت آن قبله ارباب دانش و بینش رسیده، آن مقدار صفات حمیده و نعوت پسندیده، چه علمی و چه عملی، از او مشاهده شد که زبان قلم از شرح شمه‌ای از آن قاصر است. و ایضاً در آن زمان میان این کمینه و آن والی کشور فضل و احسان چنان موافقتی و آشنایی پدید گشت، که ریاض انس و حدایق مودّتی که پژمرده گردیده بود، در دو سه نوبت صحبت صفت حضرت و نصارت پیدا کرد، و به مجالست و مجاورت آن قطب فلک معانی دل و جان را چنان الفتی و مؤانستی حاصل گردید که این بنده شرح نبذه‌ای از آن به وسیلت تلفیق الفاظ و ترکیب کلمات از جمله محالات می‌داند.»^۶

۲. آیت‌الله سیدهاشم میردامادی (۱۲۶۰-۱۳۳۹)

سیدهاشم میردامادی در شهر نجف متولد شد. پدر او از روحانیان معروف و مقیم نجف بود. تحصیلات خود را در نجف انجام داد و نزد عالمان بزرگ آن عصر، محمدکاظم خراسانی و محمدحسین نایینی تحصیل کرد و به درجه اجتهاد رسید. در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به مشهد رفت و در سال ۱۳۱۴ به دلیل سخنرانی تند

علیه رضاشاه به سمنان تبعید شد. وی در سال ۱۳۳۹ به مشهد بازگشت و به تفسیر قرآن در مسجد گوهرشاد پرداخت. «رساله در رجعت»، «ترجمه کتاب سیف الامه» از احمد نراقی، «شرح حال علماء بزرگ همراه داستان‌ها»، «خلاصة البيان في تفسير القرآن»، «تقریرات درس میرزای نایینی»، و «جزواتی در علم اخلاق» از جمله تألیفات اوست. «خلاصة البيان في تفسير القرآن» به همت نوه سیدهاشم، حجت الاسلام دکتر سیدمجتبی میردامادی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، ویرایش، تحقیق، و چاپ شده است. سیدهاشم میردامادی در سال ۱۳۳۹ در مشهد درگذشت و در جوار حرم علی بن موسی الرضا (ع) به خاک سپرده شد. همسر او دختر سیدابراهیم نصرآبادی، از اهالی نصرآباد یزد بود و دختر او، خدیجه با سیدجواد خامنه‌ای ازدواج کرد و فرزندشان سیدعلی خامنه‌ای شد.

نسب میرزا هاشم، با هفت واسطه به میربرهان‌الدین محمدباقر استرآبادی معروف به میرداماد، فیلسوف، متکلم، و فقیه برجسته دوره صفویه می‌رسد. از نظر استاد علی اوجبی، خاندان میرداماد، از دختر ایشان منشعب شده است: «آن‌گونه که در منابع تاریخی آمده است، میرداماد دارای دو فرزند نیز بوده: ۱- میرزا صدرا ۲- همسر میرسیداحمد علوی (پسرخاله و وارث معنوی میر) که خاندان میرداماد همگی از نوادگان اویند».^۸

۱-۲. پیام آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به همایش بزرگداشت سیدهاشم میردامادی

مقام معظم رهبری تجلیل از این عالم ربانی را اقدامی شایسته خواندند و با اشاره به برخی وجوه شخصیتی و تلاش‌های قرآنی و حدیثی آن فقیه و مفسر پارسا، خاطرنشان کردند: اهتمام به امر دین در میدان‌های دشوار و پرخطر، از قبیل حضور در مجاهدت علمای مشهد در مسجد گوهرشاد از نقاط برجسته زندگی او بود که تحمل زندان و تبعید از سوی دستگاه رضاخانی نیز نتیجه قهری آن به شمار می‌رفت.

متن پیام: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الاكرمين. تجلیل و تکریم نام و یاد عالم ربانی، فقیه و مفسر پارسا و پرهیزکار، مرحوم آیت‌الله آقای حاج سیدهاشم نجف‌آبادی (رض) کار شایسته‌ای است که به توفیق و هدایت الهی، دفتر تبلیغات بدان همت گماشته است. این روحانی عالی‌مقام که مراتب علمی را در نجف و در محضر اساتید بنام آن روزگار طی کرده و مفتخر به اجازه و شهادت علمی از آنان بود، در مدت نزدیک به چهل سال اقامت در مشهد مقدس، بیشترین تلاش خود را به تفسیر قرآن منعطف ساخته و محفل گرم و بی‌وقفه تفسیری جدایی در مسجد گوهرشاد (شبهستان شمال غربی) برپا نموده بود. هر شب پس از اقامه نماز جماعت، جمعی از ارادتمندان مشتاق، گرد منبر بی‌پیرایه این عالم عامل، مجتمع گشته و از بیان شیرین و نفس گرم او سخن خدا را می‌شنیدند، و این سفره گسترده معرفت و حکمت، ده‌ها سال، مآئده الهی و قرآنی را نصیب دوستداران می‌کرد. ثبت و نگارش همین درس‌های شبانه، تلاش دیگر این عالم قرآنی با اخلاص بود، که اکنون بحمدالله در اختیار همگان قرار گرفته است. در کنار این تلاش ارزشمند قرآنی که در محیط عمومی آن روز مشهد، نظیری برای آن دیده نمی‌شد، توکل و تبخّر در کلمات اهل بیت (ع) نیز خصوصیت برجسته دیگر این عالم متقی و معتبد بود. تسلط او بر حدیث

چنان بود که در هر مجلس و محفل، حتی در جمع خانوادگی. که این حقیر در دوران کودکی و نوجوانی تا اوایل جوانی از اقبال حضور در آن برخوردار بودم. رشحه‌ای از آن کلمات نورانی را به کام حاضران می‌ریخت و مجلس را با ذکر کلمات امامان هدایت (س) منور می‌ساخت. رفتار و منش عملی ایشان در زندگی شخصی به گونه‌ای بود که گفتارش را نافذ و اثرگذار می‌کرد. حضور و استفاضه او از محضر علمای بزرگ اخلاق و سلوک توحیدی در نجف از قبیل عالم سالک واصل الی الله مرحوم سیداحمد کربلایی، از او متعبدی مراقب و اهل تضرع و بکاء و خشوع، پدید آورده بود. تمتعات متعارف زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و شئون اجتماعی و امثال آن، در زندگی او نمودی نداشت. در عین حال اهتمام به امر دین در میدان‌های دشوار و پرخطر، از قبیل حضور در مجاهدت علمای مشهد در مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی، از نقاط برجسته زندگی او بود که تحمل زندان و تبعید شش ساله از سوی دستگاه رضاخانی در سمنان و شهرری نتیجه قهری آن به شمار می‌رفت. مرحوم آیت الله نجف‌آبادی، عالمی جامع و عامل و مراقب بود و در مشهد آن روز ارادتمندان و مخلصان فراوان داشت، و هنگامی که خبر وفات ایشان در سال ۱۳۸۰ قمری به قم رسید. و اینجانب در آن سال‌ها در قم اقامت داشتم. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی مجلس ترحیم مجللی در مدرسه فیضیه اقامه فرمود و این حقیر و برادر بزرگ و مکرم مرا مورد تفقد قرار داد. شایسته می‌دانم که در این مناسبت از فرزند فاضل ایشان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدحسن میردامادی یاد کنم که پس از پدر، رشته تفسیر را به شیوه آن مرحوم ادامه داد و سال‌ها محفل گرم تفسیری پدر را حفظ کرد. رحمت خدا بر همه آنان و بر ما^۹.

■ پانویس

- ۱- درگاه اینترنتی لیدر (<https://www.leader.ir/fa>)
- ۲- داماد، میرمحمدباقر. ۱۳۸۰. جذوات و مواقیت. تصحیح و تعلیق و مقدمه علی اوجبی. تهران: میراث مکتوب. صص ۱۹-۲۰.
- ۳- همان. صص ۲۱-۲۰.
- ۴- قرآن کریم. سوره فجر: ۲۸، ۲۷/۸۹.
- ۵- داماد. ۱۳۸۰. ص ۲۱.
- ۶- قنبریان، علی. ۱۳۹۴. مصاحبه با دکتر سیدمجتبی میردامادی.
- ۷- محقق، مهدی و ایزوتسو، توشی هیکو. ۱۳۷۰خ. منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صص ۵۷-۵۸.
- ۸- داماد. ۱۳۸۰. ص ۲۰.
- ۹- خامنه‌ای، سیدعلی. ۲۵ فروردین ۱۳۹۴. پیام به همایش بزرگداشت سیدهاشم میردامادی. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری (<https://www.leader.ir/fa>)